

پس از خواندن کتابی:

## تاریخ روزنامه نگاری ایرانیان و دیگر پارسی نویسان\*

### روزنامه، شاه کلید تجدّد در ایران

آقای دکتر ناصرالدین پروین از پژوهندگان معدودی است که عمر خود را وقف تحقیق در تاریخ مطبوعات ایران کرده است. تاکنون دو جلد از چهار جلد کتاب تاریخ روزنامه نگاری ایشان در تهران به چاپ رسیده است. و با انتشار این دو جلد ما صاحب مأخذی در کار روزنامه نگاری شده ایم که پیش از آن مشابهی نداشته است.

کوشندگان دیگری پیش از آقای پروین به کار تاریخ مطبوعات ایران پرداخته اند که ذکر نام آنان خالی از فایده نیست. به جز مقاله نویسانی که این جا و آن جا درباره تاریخ روزنامه نگاری ایران مطالبی نوشته اند اولین کتاب معتبر، تاریخ روزنامه نگاری ایران، کار ارزنده محمد صدر هاشمی است که در چهار جلد از ۱۳۲۷ تا ۱۳۳۲ در اصفهان منتشر شده است. این کتاب در حقیقت معرفی نامه یا فهرستی است از مطبوعات فارسی زبان که مؤلف تا آن جا که در طاققت داشته به کار روزنامه ها و مجلات فارسی زبان پرداخته است و فرهنگی نسبتاً جامع برای مراجعه کنندگان بعدی از خود به یادگار نهاده است. پس از او مسعود برزین در کتاب سیری در مطبوعات ایران معرفی دیگری از مطبوعات فارسی کرده است. از نقطه نظر کار دانشگاهی، اما نام دو تن از استادان ایرانی یعنی سید محمد محیط طباطبایی و محمد اسماعیل رضوانی در خور ذکر است که ناصرالدین پروین جلد اول اثر

\* دکتر ناصرالدین پروین، تاریخ روزنامه نگاری ایرانیان و دیگر پارسی نویسان، ۲ جلد، جلد اول: «پیدایش»، ۳۵۶ صفحه، مرکز نشر دانشگاهی، تهران. چاپ اول ۱۳۷۷، تیراژ ۲۵۰۰ نسخه. جلد دوم، «بحران آزادی»، ۵۰۲ صفحه، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، چاپ اول ۱۳۷۹، تیراژ ۳۰۰۰ نسخه

خود را به اولی و جلد دوم را به دومی تقدیم کرده است. افزون بر اینها در غالب کتب تاریخ معاصر و ادبیات معاصر فارسی، فصول یا بخشهایی به تاریخ مطبوعات اختصاص داده شده است از جمله تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران - براون، تربیت، تاریخ مشروطه - سید احمد کسروی، تاریخ مختصر احزاب سیاسی - ملک الشعراء بهار، تاریخ بیست ساله - حسین مکی، از صبا تا نیما - یحیی آرین پور، ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران - فریدون آدمیت، و نیز دایرة المعارفها و فرهنگهای معاصر مانند فرهنگ معین، لغتنامه دهخدا، دایرة المعارف فارسی دکتر مصاحب که هر کدام مدخلهایی را به روزنامه ها و مجلات فارسی زبان اختصاص داده اند.

در حال حاضر نیز پژوهندگانی چون آقایان اسماعیل جسیم، سید فرید قاسمی در این کار اهتمام می ورزند و وزارت ارشاد اسلامی ایران هم با تأسیس مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها کوششهایی در جهت تحقیق در تاریخ مطبوعات ایران به کار می بندد. اما کتاب آقای ناصرالدین پروین از جهات زیر در خور اعتنای مخصوص است.

### ۱ - معرفی مختصر کتاب

اول - شمول عام کتاب از جهت توزیع جغرافیایی مطبوعات پارسی زبان، اولین ویژگی کتاب آقای پروین است. به این معنی که در کتاب تنها به ذکر نام و معرفی مجلات و جرایدی که در محدوده جغرافیایی ایران انتشار می یافته اند اکتفا نشده است بل به لطف تحقیق ناصرالدین پروین خواننده در می یابد که در سالهای طلوع روزنامه نگاری فارسی (۱۷۸۰-۱۸۹۶م) تعداد روزنامه هایی که در هندوستان در شهرهایی چون کلکته، لاهور، دهلی، بمبئی، کراچی و مدرس منتشر می شده است از روزنامه هایی که در تهران، تبریز، شیراز و اصفهان به چاپ می رسیده بیشتر بوده است (۴۴ عنوان در هند، ۲۴ عنوان در ایران) (ج ۱، ص ۳۳۵). همچنان که محل تولد روزنامه های فارسی زبان معروفی چون قانون - لندن، جبل المتین - کلکته، حکمت - قاهره، همه بیرون از مرزهای جغرافیایی ایران بوده است و در عین حال این روزنامه های خارج از ایران بوده اند که بذر آزادی، قانون، و عدالتخواهی را در ذهن ایرانیان داخل و خارج پراکنده اند.

دوم - مطالعه مبسوط مؤلف در زمینه های مختلف روزنامه نگاری چه از جهت فنی و چه از جهت تحریری چشم اندازی را ارائه می دهد که هر علاقه مندی می تواند با نگاه کردن به آن، به صورت و حال روزنامه نگاری ایران از آغاز آشنا شود. آقای پروین تکنیکهای چاپ، از چاپ سنگی، سربی، قالبی و ژلاتینی را در این روزنامه ها به تفصیل شرح داده و با نگاهی هوشمندانه حتی به برخی از آمار و ارقام هزینه ها و سازمان اداری این روزنامه ها، از

قبیل تیراز، قیمت، طرز توزیع دست یافته، و نیز در یک بررسی پرحوصله وضع روزنامه نگاران معروف را که بعدها در کار ملک و ملت تأثیر گذار بوده اند مطالعه کرده است.

سوم - مؤلف بر نکته ای که محققان ادبیات معاصر فارسی بدان کمتر توجه داشته اند پای فشرده و به اهمیت «زبان روزنامه» در تغییر اساسی ادبیات فارسی به خصوص پس از مشروطه - پرداخته است و به خوبی نشان داده که چگونه این زبان به تدریج بر زبان رسمی و درباری چیره شده و حتی اندک اندک مکاتبات اداری را ساده تر و آسانتر کرده است. پروین با آوردن شواهدی متفاوت در زمینه های مختلف، این خدمت زبان روزنامه را به افزایش شعور ملی به خوبی نشان داده است. نقل بخشی از نمونه های مقالات روزنامه ها در آغاز عصر مشروطه نشان دهنده فراگیری و تسری زبانی است که از قید مترادفات مرسوم خود را خلاص کرده و به مفاهیم مورد توجه عام پرداخته و با کوتاه کردن عبارات و احتراز از دنبال هم نوشتن جملات کار خواندن را آسان کرده است. بخش کوتاهی از مقاله شماره ۱۴ سال دوم روزنامه تمدن در ۱۳۲۶ ه. ق. نمونه خوبی بر این مدعا است:

ایران مال ایرانیان است. ایران خانه ای ست ملک طلق یک خانواده موسوم به ایرانی که متجاوز از بیست و پنج کرور عده آنهاست.

فرد فرد این عده در این خانه به تساوی مالک بالاستقلال می باشند.

در احکام مملکت و در پیشگاه ملت شاه و فقیر و غنی با هم یک برابر هستند.

هیچ یک را حق آن نیست اقدامی بکند که موجب اضمحلال این خانواده گردد. هیچ کس

نمی تواند برای منفعت شخصی خود صدمه به نفع عموم برساند. این خانواده حق ندارد در مصالح

نوعیه خویش هر تغییر و هر تبدیلی که مقتضی دانستند جاری نمایند.

هیچ دولت و هیچ ملت را حق آن نیست در اقدامات مشروعه داخله به این ملت اعتراض بکند

(ج ۲ - ص ۶۴۶).

چهارم - کوششی که مؤلف به کار بسته تا روزنامه های فارسی زبان خارج از ایران را معرفی کند کاری درخور تحسین است زیرا او در این راه موفق به معرفی روزنامه هایی شده است که ما در تاریخ مطبوعات با نام آنها کمتر مواجه بوده ایم. این نکته هنگامی اهمیت بیشتری پیدا می کند که ما بر اساس تقسیم بندی مؤلف در می یابیم، به جز خود ایران پنج حوزه مطبوعات زبان فارسی وجود دارد که شاید ناشناخته ترین آن حتی برای دست اندرکاران فن روزنامه نگاری، روزنامه هایی ست که در اروپا و به ویژه در فرانسه منتشر می شده است مانند التودد پیش از انقلاب مشروطه، و آن گاه پس از انقلاب مشروطه برخی از آنان امتداد انتشار روزنامه های ممنوع در دوران استبداد صغیر بوده اند (سه شماره صور

اسرافیل در ایوردن سویس) و برخی چون اصلاح یا خلافت که در بجهوحه مشروطه خواهی و مبارزات مشروطه خواهان در اروپا انتشار می یافته است (ج ۲، ص ۸۶۹).

پنجم - جز این ناصرالدین پروین همت به معرفی روزنامه هایی گماشته است که به زبانهای غیر فارسی متداول در نزد اقوام ساکن ایران به چاپ می رسیده است. معرفی این گونه روزنامه ها از دو جهت حائز اهمیت است یکی آن که میزان گسترش و بُرد پیام رسانی این نشریات تا چه اندازه بوده است و دیگری آن که صورت انتشار آنها از جهت این که روزنامه های غیر فارسی زبانی بوده اند و در یک مملکت اسلامی که فارسی زبان رسمی آن است منتشر می شده اند از چه ضوابط قانونی برخوردار بوده اند. مؤلف در کتاب خود توضیحی نسبتاً کافی در این باره داده است که محققین آینده می توانند بیشتر درباره آن جستجو کنند. موانع انتشار روزنامه به زبانهای قومی را بیابند و در مقابل از تسهیلاتی که برای انتشار روزنامه اقلیتهای مذهبی - به جز بهائیان - فراهم می شد گفتگو کنند. در آمدی که ناصرالدین پروین بر این بخش از کتابش نوشته است قابل ذکر و درخور تأمل است:

در دوره سیزده ساله مظفری و محمد علی شاهی شمار بسیار اندکی روزنامه و مجله به زبانهای غیر فارسی متداول در ایران به چاپ رسیده است. هفت عنوان ارمنی، هفت تا نه عنوان ترکی آذری، چهار عنوان کلدانی (آسوری). از میان نشریه های ترکی دو عنوان دوزبانه (ترکی آذری - فارسی) بود و نشریه ای نیز به دوزبان آسوری و روسی منتشر می شد.

اکثر روزنامه ها و مجله هایی که به آن سه زبان به چاپ رسیدند عمر کوتاهی داشتند ولی چنان که می دانیم روزنامه های فارسی نیز چنین بودند. با این تفاوت که انتظار می رود نشریه ادواری به زبان اقلیت، شمار چشمگیری خواننده و فادار داشته باشد. به ویژه در روزگاری که روزنامه می توانست تنها با پشتگر می تکفروشی و حق اشتراک به زندگی خود ادامه دهد. به علاوه هیچ عاملی از انتشار روزنامه به زبان محلی یا قومی جلوگیری نمی کرد. (تاکید از ماست). این را هم بیفزایم که اقلیتهای ارمنی و آسوری اقلیتهای کاملی بودند که از نگاه قومی، زبانی، مذهبی و تا اندازه ای تاریخی، با دیگر اقلیتها تفاوت داشتند و شمارشان نیز اندک نبود.

اگر از روزنامه آذربایجان و جانشین آن حشرات الارض که هر دو دوزبانه بودند بگذریم، از میزان نفوذ و تیراژ روزنامه های غیر فارسی نا آگاهیم. منابعی که به آنها دسترسی یافتیم، تنها از محبوبیت روزنامه آسوری کوخا خبر داده اند. سبب آن بود که این روزنامه، خلاف سه روزنامه دیگر کلدانی زبان، وابستگی به هیأتی تبلیغی بیگانه نداشت. اما برآکنده جغرافیایی ارمنیان

بیش از آسوریان بود. به ظاهر نفوذ روزنامه های ارمنی چاپ ایران به حوزه انتشار هر یک از آنها (تهران، اصفهان، تبریز) محدود می شد.

نکته ای که تاکنون تاریک مانده نحوه گرفتن امتیاز برای انتشار روزنامه به یکی از دوزبان ارمنی و آسوری ست. گمان من بر آن است که دستگاههای دولتی - اگر هم از وجود نشریه های ادواری اینان آگاهی کامل داشتند - هنوز آنها را جزئی از آثار مذهبی مسیحیان می انگاشتند و انتشار نوشتارهای مذهبی اهل کتاب به زبان خودشان روا بود. اما در دوره احمد شاه امتیاز روزنامه های اقلیتهای مذهبی نیز وابسته به اجازه وزارت معارف شد (ج ۲، ص ۷۱۳).

ششم - در تالیف آقای پروین برای اولین بار - یا لااقل تا آن جا که بنده اطلاع دارم - مطبوعات فارسی زبان از تمام زوایا به صورت امروزمین - و بیشتر به شیوه تحقیقات فرانسویان - طبقه بندی شده است. جداول، نمودارها و نقشه های فراوانی که مؤلف زحمت تنظیم و ارائه اش را کشیده است کار را بر یک مراجعه کننده محقق بسیار آسان می کند. فرضاً اگر کسی در جستجوی وضعیت کلی چند روزنامه داخلی ایران در عصر مشروطیت باشد در جدول شماره ۱۰ (ج ۲، ص ۷۹۶) به راحتی می تواند پیدا کند که ده روزنامه طراز اول این دوران، در چه فواصل تاریخی منتشر می شده اند. تیراژ تقریبی آنها چقدر بوده است، صفحات این روزنامه ها در خلال یک ماه (به دلیل کم و زیاد شدن صفحات) چند صفحه بوده است. هزینه های ماهانه آنها به تقریب در هر زمینه از چاپ تا توزیع چه مبلغ بوده؟ در آمدشان چه از طریق اشتراک و چه از راه تکفروشی به چه مقدار بالغ می شده است؟

به این طریق مؤلف تمام کوشش خود را مصروف دادن اطلاعاتی کرده است که به کار تحقیقات آینده می آید و نمی توان بر آنها چشم فرو بست.

## ۲ - اهمیتهای تاریخی کتاب

در این نگاه است که کتاب تاریخ روزنامه نگاری ایرانیان و دیگر پارسی زبانان از یک اهمیت تاریخی برخوردار می شود. در حقیقت این کتاب می تواند دستمایه محققانی باشد که در این سالهای اخیر هم خود را مصروف یافتن ریشه های تجدد در ایران کرده اند و متأسفانه کمتر به کار روزنامه های ایران پرداخته اند و یا لااقل با نگاهی جامع و مانع روزنامه نگاری ایران را ندیده اند. کتاب ناصرالدین پروین این فرصت را به ما می دهد تا فکر کنیم که جدا از ایجاد روابط با جهان متجدد و پیشرفته آن روز از طریق مبادله سفیر، اعزام دانشجو، افتتاح دارالفنون، تأسیس مدارس جدید و انتشار کتابچه هایی چه به صورت مخفی و چه به صورت علنی درباره قانون و عدالت یک عنصر مهم در جامعه برون مرزی و سپس

درون مرزی کار تعلیم فکر تجدد و انتشار اندیشه های متجددانه را در سطحی بس وسیعتر از محدوده های روشنفکرانه آن روزگاران برعهده داشته است و در بیداری توده ها و آگاه ساختن آنها به حقوق اولیه خود از تمام عوامل یاد شده و ناشده های آن گامی فراتر برداشته. این عنصر مهم همانا روزنامه هاست که به سبب انتشار وسیع - البته نسبت به کتب و رسالات - پرچم تجدد را در جامعه ایرانی برافراشته اند.

در کتاب ناصرالدین پروین ما به دیدار روزنامه هایی می رویم که در فن روزنامه نگاری امروز به آنها «نشریات تخصصی» می گویند. این نشریات تخصصی هر کدام در حیطه اطلاع و دانش منتشر کنندگان آن عامل آگاهیهایی از دستاورد جهان پیشرفته آن روز اند برای مردم مملکتی که اکثریت قریب به اتفاق آن از نعمت خواندن و نوشتن بی بهره اند و به روایتی روزنامه ها را یک نفر می خریده و در میدانها و قهوه خانه ها برای مردم می خوانده است تا از چند و چون و کم و کیف اخبار باخبر شوند. در مورد نشریات ادبی و مجلات مربوط به فرهنگ و ادبیات مقالات بسیاری نوشته شده و به نظر می رسد که جویندگان موضوع تجدد در نگاه خود به امر تجدد تنها از زاویه ادبیات و فرهنگ اروپایی - به ویژه فرانسوی - آن روزگار نگریسته و گاه به این مجلات و نشریات ادبی بهای بسیار والایی داده اند. شاید مفصل ترین تحقیق در مورد این گونه نشریات را مرحوم یحیی آرین پور در کتاب از صبا تا نیما کرده است (ج ۲ و ۳). به این جهت ما به سهم روزنامه نگاری ایران در معرفی مظاهر دیگر تجدد به یاری کتاب ناصرالدین پروین می پردازیم.

اول - فلاحت مظفری: موضوعی که در این نشریه اساس کار است فلاحت یا کشاورزی ست. در شماره ۲۴ این روزنامه (۱۹۰۰ م) مقاله ای درباره کشاورزی امریکا به چاپ رسیده و تکنیک پیشرفته کشاورزی آن روز امریکا را تعریف کرده و شاید برای نخستین بار بدون ذکر نام از ماشین آلات کشاورزی مانند تراکتور و کمباین سخنی به میان آورده است: نیز برای درویدن زراعت ماشینی ایجاد نموده اند که حاصل را... درویده و صاف می کند. نیز کالسکه های بارکشی ساخته اند که زراعت چهار فرسخ و نیم مربع را در چند دقیقه جمع آوری و چندین خرمن را باندک وقتی پاک کرده حمل می نمایند (که این گونه کالسکه هنوز در سایر دول جاری نشده) (ج ۲، ص ۴۴۶).

دوم - روزنامه های بهداشتی: در کتاب ناصرالدین پروین از روزنامه هایی صحبت می شود که صرفاً به منظور تربیت بهداشتی منتشر می شده اند از جمله سه روزنامه حفظ الصحة، صحت، و طبابت را باید نام برد که به نوشته مؤلف کتاب محتوای این روزنامه های

مجله مانند جملگی پزشکی و اخبار مربوط به بهداشت و طب و درمان بوده است و صاحبان آنها اطبای سرشناس زمان بوده اند (ج ۲، ۵۹۱).

سوم - روزنامه های علمی: گنجینه فنون یک روزنامه علمی چاپ تبریز است. نگارنده مقاله چند نسخه این روزنامه را در تهران داشت و از همان زمان سبک تهیه و تنظیم این نشریه مورد توجه و تحسینش بود. زیرا این نشریه در حقیقت مرکب از چهار نشریه در چهار زمینه «علم»، «صنعت»، «معرفی کتاب»، و «پاورقی» بود، و هم در این نشریه بنده با پاورقی معروف «بیست هزار فرسنگ زیر دریا» اثر ژول ورن رمان نویس تخیلی فرانسوی آشنا شدم. اما نکته ای را که آقای ناصرالدین پروین در مورد این نشریه ذکر کرده است از این جهت درخور توجه است که ناشران گنجینه فنون از پیشگامان تجدد در ایران بوده اند، از جمله میرزا یوسف خان اعتصام الملک، محمد علی تربیت، سید حسن تقی زاده.

چهارم - طنز روزنامه ای و روزنامه های کاریکاتوری: طنز گزنده ای که در روزنامه های برجسته این دوره همراه با کاریکاتورهای آن روزگار به چشم می خورد گامی دیگر است که روزنامه نگاری ایران برای جلب و مشارکت مردم در امر اداره مملکت و تشویق دموکراسی برداشته است. در این رهگذر نباید از دو عنصر مهمی که طنز به همراه خود برای جوامع سنتی به همراه می آورد غافل بود. اول: تصنیفها و آوازهایی که به زبان مردمی سروده و ساخته می شود و گاه پیام آنها به مراتب برنده تر و مؤثرتر از شعارها، مقاله ها و خطابه های سیاسی ست. به اعتقاد بسیاری از محققان این تصانیف یا شعرگونه های روزنامه های اولیه در ایران به مراتب از مقالات سیاسی باب روز جاذب تر بوده است. دوم نگارش مطالب طنز آمیزی ست به صورتی که خود موضوع داستانی کوتاه است و از آن می توان نتیجه ای شبیه حکایات پندآمیز منتها به زبان طنز گرفت. درباره این روزنامه ها و مجلات، فراوان نوشته شده است و این بنده به خاطر کار دیرینه ای که در مورد روزنامه صور اسرافیل کرده ام، بر این عقیده ام که چرند پرند دهخدا با نام مستعار دخو و نیز تصنیف واره های او در این روزنامه اثر برانگیزنده بسیار در افکار عمومی آن روز داشته است و نقدهای طنز آمیز دهخدا در مذمت عقب افتادگیهای سنتی و یا رد پیشرفتهای جهان از زبان جاهلان زمان شاهدهی بر این مدعاست.

اما کاریکاتور که در حقیقت بیان طنز به زبان تصویر است و قدمی دیگر در راه رسیدن به هدفهای تجدد طلبانه به شمار می رود در مطبوعات فارسی زبان سابقه جالبی دارد به نوشته ناصرالدین پروین.

کهن ترین کاریکاتورهای مطبوعاتی ایران که در دست است در صفحه نخست شماره پنجم از سال سوم ادب مشهد (چهاردهم شوال ۱۳۲۰) با امضای «حسین الموسوی نقاشباشی آستانه» دیده می شود و آن عبارت از دو نردبان است که یکی «هیأت ترقی اهل اروپا» و دیگری «هیأت تنزل مردم آسیا» را نشان می دهد. در آن یک برای بالا رفتن به یکدیگر یاری می دهند و در این یک، با بر سر همراهان می کوبند تا خود به بالاترین پله برسند. همین را روزنامه تذکر داده است: «تصویر ترقی مردم اروپا که به معاونت یکدیگر بالا رفته و به مدارج سامیه و مراتب عالیہ صعود می نمایند، برخلاف تنزل مردم آسیا که به واسطه بدخواهی یکدیگر همگی با خاک یکسان می شوند». نظر به دقتی که در تصویر مردم اروپا صورت گرفته و به ویژه با توجه به این که «مردم آسیا با فینه عثمانی (کلاه ترکان عثمانی در آن روزگار) نشان داده شده است تصور می کنم که این تصویر انتخابی از روزنامه ها یا کتابهای چاپ عثمانی یا اروپا باشد (ج ۲، ۴۳۷-۴۳۸).

پنجم - روزنامه دانش - که توسط خانم دکتر کحال منتشر می شد و به امور مربوط به اوضاع زنان و پیشرفتهای آنان در جهان آن روز می پرداخت و این بنده در یک تک نگاری در ایران شناسی آن را معرفی کرده ام.

ششم - روزنامه هایی به شیوه نو: در کتاب ناصرالدین پروین به نام روزنامه هایی برخورد می کنیم که در زمان انتشار خود در شیوه روزنامه نگاری سبکی تازه برگزیده اند و مهمتر آن که از یک مظهر دیگر تجدد یعنی تئاتر اروپایی برای بیان مقصود خود استفاده کرده و حتی نام «تئاتر» را برای نشریه خویش برگزیده اند. ناشران تئاتر به نوشته پروین به صورتی ارائه می کردند که در میان روزنامه های ایران پیشینه ای نداشت و بعدها نیز مانند آن به وجود نیامد، زیرا مطالب این جریده... به طریق سؤال و جواب و وضع تئاتر تنظیم می شد (ج ۲، ص ۵۸۸).

این اشارات مشتق از خروار کاری ست که روزنامه نگاری ایران برای راهنمایی مردم به سوی تجدد و ترقی انجام داده است و به این سبب است که نگارنده عنوان مقاله خود را «روزنامه، شاه کلید تجدد در ایران» برگزیده است.

### ۳ - نتیجه و چند پیشنهاد

کار پر زحمت و ارج آقای ناصرالدین پروین در این جا تمام نمی شود ایشان امیدوارند که تاریخ روزنامه نگاری ایران را در دوره پر جذر و مد بعد از استبداد صغیر و نیز در عصر پادشاهی رضاشاه پهلوی دنبال کنند. نویسنده پس از دقت در کار دو جلد تألیف ایشان نکاتی را که به نظرش رسیده و لازم به تذکر می داند ذکر می کند:



اول - تألیف آقای ناصرالدین پروین در حقیقت مفتاحی ست برای آن که به کار تاریخ مطبوعات ایران با نظری جدی تر و دلسوزانه تر نگریست. این اثر که جلد دوم آن «بحران آزادی» نخستین نشانه ها را از حیات روزنامه نگاری ایران در یک طیف وسیع موضوعی و جغرافیایی در بر می گیرد به ما نشان می دهد که روزنامه نگاری آن چنان که پنداشته اند و به ما نیز باورانده اند حرفه ای در عداد مشاغل پست نیست و از آن جا که با ذهن و زبان و سرنوشت تاریخی هر ملتی ارتباط دارد باید با آن به صورت جدی تر مواجه شد. برای رسیدن به این هدف تکمیل تاریخ حاضر آقای پروین در آن مقاطعی که هنوز تاریکیها و ابهامات آن باقی ست اولین قدم است. تنظیم یک تاریخ جامع مطبوعات کار یک تن و حتی یک گروه اندک نیست. این تاریخ وقتی جامع و کامل است که مؤسسه یا سازمانی بر بازیابی و کشف کلیه نسخ موجود روزنامه های فارسی زبان همت بگمارد. راهنمایی که با کوششهای یک تنه و زحمات آقای پروین برای یافتن هر چه بیشتر مآخذ و منابع و نیز مخازن این روزنامه ها صورت پذیرفته است مجاهدتی درخور تحسین است. اما مطبوعات ایران سه دوره آزادی بیان را تجربه کرده اند که هنوز آقای پروین به آنها نرسیده است. تعداد این نشریات، وسعت مشرب آنها، پراکندگی جغرافیاییشان در سه دوره سلطنت احمد شاه تا استقرار سلطنت پهلوی، از شهریور ۲۰ تا مرداد ۱۳۳۲ و بالاخره سالهای اول انقلاب اسلامی بیش از اندازه تصور ماست. بنا بر این ایجاد یک مرکز تاریخ مطبوعات به سرپرستی کس یا کسانی که در این کار تجربه دارند گام اول است.

دوم - در کنار چنین مرکزی، به وجود آوردن یک مرکز تحقیق در محتوای مطبوعات نیز از ضروریات بی چون و چرایی ست که ما را در فهم تاریخ معاصر ایران یاری می دهد. آقای پروین و پیشینیان ایشان هر چه در طاقت داشته اند به کار بسته اند تا صورت اجمالی روزنامه های فارسی زبان - آن هم مهمترینشان را - در قالب تاریخ ارائه دهند. اما این کار هر چند لازم است کافی نیست. روزنامه های فارسی زبان فارغ از مشرب و نحوه تفکر باید مورد یک بازبینی محتوایی در معنای علمی کلمه قرار بگیرند؛ از رسمی ترین آنها که روزنامه رسمی دولت ایران است، تا مخفی ترین آنها که روزنامه های ممنوع الانتشار و زیرزمینی ادوار مختلف تاریخی ست همه و همه باید دوباره خوانی علمی بشوند. روش تحقیق در محتوای روزنامه ها که امروز یک درس نظری و بیشتر تشریفاتی در مدارس روزنامه نگاری ست، به صورت یک کار عملی و اجرایی بر عهده مدارس روزنامه نگاری و مراکز تدریس و تحقیق تاریخ معاصر ایران گذاشته شود. دانشجویان به سرپرستی استادان ذی صلاح پایان نامه های کوچک اما پرباری به صورت تک نگاری برای هر روزنامه فراهم

آورند. این تک نگاریها در پایان فرصتی خواهد داد که یک تاریخ تحلیلی از روزنامه نگاری ایران در متن تاریخ ایران فراهم شود. نمونه ای از تک نگاریها را آقای ناصرالدین پروین در همین مجله ایران شناسی به خوبی ارائه داده اند که می تواند الگو و مدل کارهای بعدی باشد.

سوم - تنها در دراز مدت و شاید در حیات نسل سوم است که می توان یک قراءت تاریخی به روایت روزنامه های فارسی زبان در طول نزدیک به دوست سال در دست داشت و در تحریر تاریخ از آن سود بسیار جست. در این سالهای اخیر که بنده بر کناره می رفته ام بارها و بارها شاهد افسوس خوردن محققان و دانشورانی بوده ام که از دستیابی به فلان دوره روزنامه یا فلان شماره ویژه آن مجله برای تکمیل کار تحقیقی خود محروم بوده اند و متقابلاً بسیار دیده ام تحلیلهای تاریخی، سیاسی، اجتماعی یک طرفه ای را که ناشی از دستیابی به یک منبع بوده و حتی گاه بدون منبع، قضاوتی در حد حکم نهایی صادر شده است و ای بسا که قبول عام یافته و عوام در پی اش افتاده اند.

چهارم - در کنار این بررسی محتوایی شاید بهتر آن باشد که این مرکز به جستجوی چند و چون و کم و کیف حالات و احوالات روزنامه نگارانی که در هر حال قلم آنها در مسیر تاریخ مؤثر بوده است بپردازند. با مراجعه به سوابق سیاسی، اجتماعی، قضایی و حتی حالات شخصیه این روزنامه نگاران اولاً روزنامه آنها را بهتر بشناسانند و ثانیاً از برخی از آنها که احتمالاً به علت شغل و یا نفوذ روزنامه خود به جایی رسیده اند نشانه ای به دست بدهند روزنامه نگاری ایران به همان اندازه که قربانیان سیاسی داشته (از جهانگیرخان صور اسرافیل تا علی اصغر امیرانی) مردان مؤثر سیاسی نیز تحویل تاریخ ایران داده است (سید ضیاء الدین طباطبائی، محمد علی فروغی). دانستن سایه روشنهای زندگی این روزنامه نگاران سایه روشنهای تاریخ ما را بهتر نشان خواهد داد.

و نیز سعی شود تا آن جا که امکان دارد از روزنامه نگاران قدیمی و کسانی که هنوز حافظه ای در خور اعتنا دارند کمک گرفته شود و با نوعی مصاحبه به شیوه تاریخ شفاهی از خاطرات آنها برای تکمیل این کار استفاده شود.

پنجم - نکته آخر آن که کاش اگر کتاب آقای پروین به چاپ دوم برسد ویراستاران که گویا در این روزگار بر مؤلفان سروری دارند و مؤلف در حقیقت کارگزار بی جیره و موجب آنهاست در سر و سامان دادن به فهرست کتاب دقتی مبذول دارند. فهرستهای موضوعی و اعلام تاریخی و جغرافیایی را به شیوه علمی امروز و بی وحشت از افزوده شدن بر حجم کتاب منظم سازند. برای تصاویر و نمودارها فهرستی در نظر بگیرند تا مراجعه کننده

به آسانی به موارد مورد نیاز خود دست یابد. در کتاب ناصرالدین پروین این پریشیدگی ویراستاری به حدی است که گاه خواننده را سرگشته و سردرگم و گرفتار بر جای می گذارد. همچنان که کاش خود دکتر ناصرالدین پروین نیز در مواردی نظرات شخصی خویش را به جای متن در حاشیه بیاورد تا یک محقق دچار تأثیر پذیری از اعتقادات مؤلف نشود.

این مقاله را با شعری به پایان می برم که در آن به اهمیت تاریخی روزنامه در زمانی که حتی روزنامه به این مفهوم وجود نداشته است اشاره شده و طبعاً اشاره شاعر یعنی عنصری که خاقانی حسرت دیگران نقره او را در دل دارد به وقایع نگاری و تاریخهای روزمره است که روزنامه های روزگار خود بوده اند. عنصری می گوید:

به روزنامه ایام در، همه پیداست      اگر بخواهی دانست، روزنامه بخوان

برکلی - مرداد ماه ۱۳۸۱

